



قیمت نفت به بالاترین حد خود در تاریخ گذشته رسیده است. درآمدهای نفتی دولت هم، رکوردی کم سابقه زده است. در دیگر سو مصرف انرژی در آستانه بحران است. چاههای نفت بعد صد سال تولید، به انتهای نیمه دوم عمر خود رسیده‌اند و بیش از حد تصور، خسته هستند. مردم نیز همچنان در تعجب هستند. ایرانی‌ها که تا همین چند سال پیش با نفت ۸ تا ۱۶ دلاری سر و کار داشتند و انتظارات خود را تعدیل کرده بودند، الان دیگر هیچ بهانه‌ای را قبول ندارند. نه جنگی وجود دارد و نه حوادث متعدد طبیعی. پس چرا شرایط اقتصادی سخت است، تورم لعنتی چرا دست بردار نیست.

نفت به ۶۰ دلار رسیده است، و باز مشکلات سر جایشان هستند، بدتر هم شده است. گویی باورهای مان خدشه‌دار شده است. مگر دومین دارنده ذخایر گازی جهان نیستیم، مگر ۱۱ درصد ذخایر نفت را در اختیار نداریم، مگر ۲/۵ میلیون بشکه ۶۰ دلاری صادر نمی‌کنیم. مگر مافیای نفتی را نابود نکردیم. حالا چرا به جای داشتن روزهای خوش، مرتب خبر از نامه اساتید و کارشناسان است که هشدار می‌دهند. جایگاه کشورمان چرا در حال نزول است. حرف‌ها چرا تلخ است. ما را چه شده است.

نفت در طول یک صد سال گذشته تحولات بسیاری را در کشور رقم زده است از کودتا گرفته تا عقد قراردادهای نگین، از نابودی بخش خصوصی گرفته تا الان که می‌خواهیم اقتصاد را مبتنی بر نفت بسازیم. نفت هم گویا مثل مواد مخدر معجونی است که ظاهر و باطنش با هم فرق دارد و باطنش ۷ لایه تو در تو دارد که باید سال‌ها با آن خو گرفت، شاید بتوان به لایه‌های عمیق‌تر رسید. نفت قانون خاص خودش را دارد، نوعی دوگانگی ایجاد می‌کند که در ذاتش است و باید با آن کنار آمد.

نفت در تنگنا

صنعت نفت کشور در طول یک صد سال گذشته تحولات بسیار از سر گذرانده و مردان بسیار دیده است. و به نظر می‌رسد آمادگی لازم را برای پذیرش تحولات جدید دارا باشد. این صنعت آقایی خود را تاکنون به اثبات رسانده و همچنان پیش قراول صنعت کشور است. هم صنایع دیگر را به نوعی ایجاد کرده و هم به نوعی آن‌ها را وابسته به خود کرده است. هم توسعه را باعث شده و هم موانع پیشرفت را در دل خود دارد.

صنعت نفت کشور امروز توانایی تولید ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت را داراست. در حالی که سهمیه تولید ایران در اوپک ۴ میلیون و ۱۱۰ هزار بشکه در روز است. با این حال طبق گزارشات ایران ۳ میلیون و ۸۷۵ هزار بشکه در روز تولید کرده که ۲۳۵ هزار بشکه در روز کمتر از سهمیه اوپک است. و حالا طبق تصمیمات اوپک جهت حفظ قیمت‌های نفت در دامنه مورد نظر باید ۲۴۹ هزار بشکه دیگر از تولید خود را بکاهد. این کاهش طبق اعلام مسئولان وزارت نفت از سقف واقعی تولید صورت خواهد گرفت و نه از سهمیه ۴ میلیون و ۱۱۰ هزار بشکه‌ای ایران در اوپک.

هنوز مسئولان وزارت نفت دلایل تولید زیر سهمیه تعیین شده را اعلام نکرده‌اند.

این کاهش ۲۴۹ هزار بشکه‌ای که بر اساس تصمیمات اوپک صورت می‌گیرد $60 \times 249000 = 14940000$ دلار ضرر به کشور وارد می‌کند. حال اگر دیگر هزینه‌های دیگر عضویت در اوپک را نیز به آن بیفزاییم به رقمی می‌رسیم که ضرر ما از عضویت در سازمان اوپک است. و حال باید دید منافع عضویت در اوپک چقدر است. در حال حاضر تولیدکنندگان غیر اوپک محدودیتی در تولید خود برای حفظ قیمت‌ها اعمال نکرده‌اند. حال شاید بتوان دوباره بحث خروج از اوپک را مجدداً طرح ساخت. این طرح که ۴ سال پیش در همایش حداکثرسازی درآمد نفت توسط یکی از کارشناسان مطرح کشور طرح گردید، هیچ گاه به طور جدی مورد مطالعه قرار نگرفت. پیش ذهنیت طرح بر این اساس بود که خروج ایران از اوپک، باعث انحلال سازمان اوپک نخواهد شد و در عوض ایران نیز می‌تواند بازی غیر اوپکی‌ها را در پیش گیرد.

براستی عضویت ایران در اوپک از لحاظ اقتصادی چه منافعی را برای کشور در پی داشته است. مگر عراق که الان در سازمان فعال نیست ضرری را متحمل شده است. از حیث سیاسی نیز ایران نتوانسته در طول سال‌های اخیر به مقام دبیر کلی اوپک دست یابد.

نکته دیگر این که محدودیت تولید ناشی از سهمیه اوپک عامل منفی برای جذب سرمایه‌گذاران بین‌المللی است. سرمایه‌گذاری برای تولید بیشتر صورت می‌گیرد و

از آنجا که بازپرداخت سرمایه‌گذاری‌ها نیز غالباً با فروش تولیدات همان میدان تسویه می‌گردد پس نگرانی بجاست. می‌توان نتیجه گرفت حضور ایران در اوپک هم محدودیتی برای سرمایه‌گذاری خارجی‌ها ایجاد کرده است و هم منابع مالی را که می‌توانستیم با تولید پیک به دست بیاوریم از دست داده‌ایم.

اُزیر زنگ خطر یا جشن برتری ایران !!!

باید مسائل و مشکلاتی که امروز صنعت نفت با آن روبروست را ببینیم نه آن که چون بیماری ایدز آن را کتمان کنیم. تولید نفت و گاز و مواد پتروشیمی در آستانه بحران جدی هستند. صنعت نفت به دلیل عدم سرمایه‌گذاری لازم در حال قفل شدن است. نگذاریم این مساله نیز به شورای عالی امنیت ملی کشور برسد. هنوز می‌توان پیشگیری کرد.

الف: افت تولید و برداشت غیر صیانتی

طبق آمار غیر رسمی افت تولید مخازن کشور به مرز ۱۳ درصد رسیده است. مخازن کشور نیمه دوم عمر خود را طی می‌کنند و با برداشت نفت فشار مخازن کم می‌شود و الان سیر نزولی به شکل تصاعدی در حال افزایش است. افت تولید تا همین چند سال پیش کمتر از ۱۰ درصد بود و الان ۱۳ درصد. چشم روی هم بگذاریم این رقم نیز تصاعدی بالا می‌رود.

از مخازن نفتی کشور در طول ۹۵ سال گذشته ۵۶ میلیارد بشکه نفت برداشت کرده‌ایم. و الان مخازن به شدت دچار افت فشار شده‌اند و بایستی روزانه ۷۰۰ میلیون متر مکعب گاز به مخازن تزریق گردد تا فشار مخزن به سطح زمان داری برسد تا امکان برداشت ثانویه از مخازن که طبق مطالعات ۵۰ میلیارد بشکه است، میسر گردد و گر نه ۵۰ میلیارد بشکه نفت کشور برای همیشه از دست می‌رود. در این صورت چیزی حدود ۳۸ میلیارد بشکه نفت دیگر خواهیم داشت که اگر روند برداشت موجود ادامه یابد تا سال ۱۴۰۰ حدود ۲۲ میلیارد دیگر نیز برداشت خواهیم کرد که البته برای برداشت همین مقدار نیز باید سرمایه‌گذاری‌های کلانی صورت گیرد در حال حاضر سالانه حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار بشکه افت تولید داریم که این روند در سال‌های آتی به دلیل افت بیشتر فشار

تصاعدی خواهد شد. متوسط بهره‌دهی چاه‌های نفت کشور از ۱۲۵۰۰ بشکه نفت به ۲۵۰۰ بشکه کاهش پیدا کرده است و الان مرتباً با حفر چاه در تلاش هستیم که سطح تولید را حفظ نماییم و این روند نیز بزودی به دلیل هزینه بالای حفاری و میزان نفت برداشتی غیر اقتصادی خواهد شد. این مساله باید نگرانی شخص وزیر نفت باشد. نودری، مدیر عامل شرکت ملی نفت نیز در نشست هفته دولت از همین جنس سخن گفت منتها پوشیده و سر بسته. «چالش بزرگ این شرکت تولید صیانتی از مخازن و ازدیاد ضریب بازیافت نفت است. به شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت ماموریت داده شده است تا در خصوص افزایش ضریب بازیافت نفت از میدان‌های نفتی، پیشنهادهایی ارائه دهند». این مساله آن قدر مهم شده است که مدیرعامل

عربستان ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت دارد، در حالی که ذخایر نفت و گاز ایران ۳۷ میلیارد بشکه نفت بالفعل و ۵۰ میلیارد نفت بالقوه و حدود ۸۰۰ تریلیون پای مکعب گاز را شامل می‌شود که در مجموع حدود ۲۲۰ = ۱۳۳ + ۵۰ + ۳۷ میلیارد بشکه معادل نفت خام است. حال اگر ایران روزانه ۳/۵ میلیون بشکه نفت و عربستان روزانه حدود ۱۰ میلیون بشکه نفت بهره‌برداری کند، در ۱۵ سال آینده ذخایر نفت ایران در حدود ۲۰۱ = ۱۹ - ۲۲۰ میلیارد بشکه و ذخایر نفت عربستان حدود ۱۴۵ = ۵۵ - ۲۰۰ میلیارد بشکه خواهد بود.

صبح‌ها فقط به این مساله فکر می‌کند: «تمام صبح‌هایم را آزاد کرده‌ام تا دو مسئله را پیگیری کنم. یکی وضعیت تولید نفت و دیگری پروژه‌های توسعه‌ای».

معاون وزیر نفت حتی پا را از این مساله فراتر می‌نهد و رویای تولید ۵ میلیون بشکه نفت در پایان برنامه چهارم را نیز غیر قابل دسترس بیان می‌کند: «۸۰ درصد تولید نفت خام کشور از میدانی انجام می‌شود که در نیمه دوم عمر خود هستند. هم اکنون ۶۴ میدان نفتی در حال بهره‌برداری است اما حدود ۷۰ درصد تولید نفت خام کشور از هشت میدان بزرگ مانند اهواز آسماری، بی بی حکیمه، آغاچاری، رگ سفید و مارون انجام می‌شود. کار کردن روی آن‌ها و افزایش تولیدشان به سرمایه‌گذاری جدی نیاز دارد». از طرفی به خاطر پیری مخازن سالانه به طور متوسط ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار بشکه از تولید نفت ایران کاسته

بهای تمام شده هر بشکه نفت خام از ۲ دلار در سال ۱۳۸۵ به ۱۷ دلار در سال ۱۴۰۴ افزایش خواهد یافت. تزریق گاز آن هم به میزان کافی هزینه تولید نفت را نیز پایین نگه می‌دارد حتی حفر چاه مازاد را نیز منتفی می‌سازد.

می‌شود.

با وجود تاکید معاون وزیر بر غیرصیانتی بودن تولید، باز تلاشی عملی برای برداشت صیانتی صورت نمی‌گیرد. کارشناسان مستقل سال‌هاست که بر تزریق ۲۰ میلیارد پای مکعب گاز در روز به عنوان تنها راه برای جبران کاهش فشار مخازن نفتی تاکید می‌کنند. بر اساس محاسبات مهندسان نیز به ازای تزریق هر ۲/۵ تا ۴ هزار پای مکعب گاز می‌توان یک بشکه نفت اضافی بدست آورد.

این میزان تزریق یعنی این که تزریق باید اولویت اول مصرف گاز در کشور باشد و در صورت نیاز، واردات گاز نیز صورت گیرد. گاز تزریقی نه تنها باعث جابجایی نفت در داخل مخازن می‌گردد و ضریب برداشت را افزایش می‌دهد، بلکه خود نیز قابلیت مصرف در سال‌های آتی را دارد. با این حال، گزارش معاون وزیر درمورد تزریق، روایت دیگری دارد:

«قرار بود ۱۱۰ میلیون متر مکعب گاز به مخازن نفتی تزریق شود. اما با رشد ۱۱ درصدی مصرف گاز که متأسفانه شش ماهه اول امسال آن هم در تابستان داشتیم، فقط توانستیم ۹۰ میلیون مترمکعب تزریق کنیم. معمولاً تزریق کم در زمستان را با تزریق گاز تابستانه به میادین نفتی جبران می‌کردیم».

البته معلوم نیست در شرایطی که گاز برای تزریق نداریم، پیگیری قراردادهای صادراتی گاز چه معنایی دارد. وقتی اولویت صادرات، بعد از تامین نیازهای داخلی مقرر شده است و هنوز نیازهای تزریق پاسخ داده نشده است، صادرات گاز آن هم به قیمتی پایین‌تر از قیمت جهانی چه منفی عاید کشور می‌سازد. محاسبات اقتصادی ثابت کرده تزریق، صرفه بیشتری دارد، چون نه تنها تولید نفت را افزایش می‌دهد، بلکه امکان برداشت از گاز تزریقی را در سال‌های آتی که قیمت‌های جهانی افزایش یافته، فراهم می‌سازد.

از مزایای دیگر تزریق، پیشی گرفتن ذخایر نفت و گاز کشور از عربستان خواهد بود. ذخایر واقعی عربستان حدود ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت است، در حالی که ذخایر نفت و گاز کشور ایران ۳۷ میلیارد بشکه نفت بالفعل و ۵۰ میلیارد نفت بالقوه و حدود ۸۰۰ تریلیون پای مکعب گاز را شامل می‌شود. در نتیجه مجموع حجم نفت و گاز ایران حدود $220 = 133 + 50 + 37$ میلیارد بشکه معادل نفت خام است در صورتی که ایران روزانه به طور متوسط ۳/۵ میلیون بشکه نفت و عربستان به طور متوسط روزانه حدود ۱۰ میلیون بشکه نفت بهره‌برداری می‌کند در نتیجه در ۱۵ سال آینده ذخایر نفت ایران در حدود $201 = 19 - 220$ میلیارد بشکه و ذخایر نفت عربستان حدود $145 = 55 - 200$ میلیارد بشکه خواهد بود.

آقای وزیر و آقای

مدیرعامل هنوز می‌توان جلوی نابودی ۵۰ میلیارد بشکه نفت را گرفت. و جشن برتری خود را بگیریم. همه چیز به تصمیم شما بستگی دارد.

ب: افزایش هزینه تولید

مزیت نفت خاورمیانه هزینه پایین تولید آن بوده است. اما این مزیت نیز در حال از دست رفتن است. علی‌کاردر، رییس ستاد اصل ۴۴ قانون اساسی در همایش تامین مالی پروژه‌ها که هفته پیش برگزار شد، به صراحت اعلام کرد: بهای تمام شده هر بشکه نفت خام از ۲ دلار در سال ۱۳۸۵ به ۱۷ دلار در سال ۱۴۰۴ افزایش خواهد یافت. تزریق گاز آن هم به میزان کافی هزینه تولید نفت را نیز پایین نگه می‌دارد حتی حفر چاه مازاد را نیز منتفی می‌سازد.

هزینه حفاری نیز در منطقه به شدت افزایش یافته است. ربودن دکل حفاری فورچونا رومانی که تحت اجاره شرکت اوربیتال کیش بود نیز دلیلی نداشت جزء افزایش اجاره دکل حفاری. این دکل‌ها روزی ۴۰ هزار دلار اجاره شده بودند و الان هزینه اجاره آن‌ها بین ۸۰ تا ۹۰ هزار دلار در روز است.

در حال حاضر ۴۷ دکل در حال شخم زدن ایران هستند که اگر این روند ادامه یابد دکل‌های بسیار، نیاز خواهد بود. تزریق به میزان لازم و کافی در مخازن باعث خواهد شد که ۲ هزار حلقه چاه کمتری نیاز باشد که این به منزله صرفه‌جویی ۱۲ میلیارد دلاری است

طلای این بخش

برای ماست!!!

در دنیا بالاترین نرم مصرف داریم. حالا خوب است که در این یکی مورد آخر نیستیم. چیزی هست که بدانم افتخار کنیم. قطعاً روزی اگر مسابقه‌ی مصرف‌کننده‌ترین کشور برگزار شود، طلای آن را ما می‌بریم.

تامین بنزین و مسائل مرتبط با آن، مهمترین موضوع صحبت‌های نعمت‌زاده، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران در تشریح عملکرد یکساله خود در هفته دولت بود.

با این واژه‌ها می‌توان حدس زد که تامین بنزین مصرفی کشور در طول یک سال گذشته، مهمترین دغدغه مدیرعامل پالایش و پخش بوده است. «در پنج ماه گذشته به طور متوسط حدود ۳۰ میلیون لیتر در روز بنزین وارد کشور شده که با تولید ۴۳/۵ میلیون لیتری روزانه بنزین در کشور، در مجموع روزانه حدود ۷۳/۵ میلیون لیتر بنزین مصرفی تامین شده است. آمار پنج ماهه امسال نسبت به پنج ماه آخر سال گذشته، رشد ۱۰/۵ درصدی را نشان می‌دهد، این در حالی است که این میزان رشد در کل سال ۸۴ نسبت به سال پیش از آن ۱۰/۴ درصد بوده است».

با وجود مصرف فزاینده بنزین، بحران کمبود همچون گذشته رخ نداده است که این امر ناشی از افزایش سطح ذخایر بنزین در کشور است. «ذخایر فعلی بنزین کشور

بالای ۱/۷ میلیارد لیتر است که این مقدار ۲/۵ برابر موجودی سال گذشته است؛ موجودی بنزین در مدت مشابه سال گذشته ۶۰۰ میلیون لیتر بوده است».

البته طبق برنامه چهارم سطح تولید بنزین باید به ۱۴۰ میلیون لیتر در روز برسد که این امر نیز در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه مدیران شرکت پالایش و پخش قرار گرفته است: «۴۰ میلیون لیتر از طریق توسعه و بهبود پالایشگاه‌های موجود و ۶۰ میلیون لیتر از طریق ساخت پالایشگاه‌های جدید تامین می‌شود که در بخش احداث، با طراحی پالایشگاه آبادان حدود ۵/۶ میلیون لیتر به تولید بنزین کشور افزوده خواهد شد».

گازوئیل هم مانند بنزین مسئله دار شده است: «واردات گازوئیل سال گذشته حدود شش درصد رشد داشت که امسال رشدی بالای هفت درصد مشاهده می‌شود».

محمد رضا نعمت‌زاده، مدیری که با اختیاراتی تام و با حمایت زنگنه دگرگونی شگرفی در بخش پتروشیمی کشور ایجاد کرد، حالا علی‌رغم میل خود، به سمت مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی کشور منصوب گردیده است. او می‌خواست بماند تا دیگر آمال و آرزوهای ناتمام خود را در پتروشیمی تحقق بخشد اما این اجازه را به او ندادند. نگرانش توقف و تغییر برنامه‌ها بود. داستانی که متأسفانه تحقق نیز یافت. وی اکنون عهده‌دار مسئولیتی شده است که براحتی قبل

نمی‌تواند تحرک ایجاد کند. نعمت‌زاده در فرآیند گسترش پتروشیمی حضور در بازار جهانی و گسترش صادرات را مد نظر داشت اما امروز به خوبی می‌داند که با گسترش پالایشگاه‌ها که خود از توجیه اقتصادی بالایی برخوردار نیست، از سهم صادراتی نفت می‌کاهد و می‌داند عطش مصرف بنزین در این کشور با توجه به قیمت بنزین هیچگاه تمامی ندارد. از طرفی دیگر حساسیت بالای این فرآورده‌ها در زندگی روزمره مردم و کشور بگونه‌ای است که کوچکترین کمبود مثلاً تمام شدن بنزین در یک پمپ بنزین آن هم برای چند ساعت می‌تواند بحرانی را در پی داشته باشد. شاید به همین دلیل باشد که در نخستین گام افزایش سطح ذخایر بنزین کشور به دو برابر سال قبل در دستور کار قرارداد.

نعمت‌زاده با معماری پیچیده‌ای روبرو است. رشد مصرف سالانه بنزین به ۱۰/۵ درصد رسیده است که اگر چنین رشد بی‌سابقه‌ای تداوم یابد در افق ۱۴۰۰ چیزی حدود ۳۰۰ میلیون لیتر برای تامین مصرف داخلی کشور مورد نیاز است حال اگر قرار باشد با ساخت پالایشگاه معما حل شود با توجه به این که هر پالایشگاه ۲۰۰ هزار بشکه‌ای با بهترین تکنولوژی ۳۰ درصد یعنی ۶۰ هزار بشکه بنزین تولید خواهد کرد که معادل ۱۰ میلیون لیتر است، پس باید ۲۶ پالایشگاه ۲۰۰ هزار بشکه‌ای ساخته شود. ساخت یک چنین پالایشگاهی نیز ۲/۵ میلیارد دلار

فراشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سرمایه و ۴ الی ۵ سال زمان نیاز دارد. یعنی در مجموع $۲۶ \times ۲/۵ = ۶۵$ میلیارد دلار. در کنار این باید ۵ میلیون بشکه نفت نیز علاوه بر ۱/۶ میلیون بشکه فعلی به طور روزانه در اختیار پالایشگاه‌ها قرار گیرد که در مجموع ۶/۸ میلیون بشکه نفت می‌شود. حال آن که امکان تولید چنین نفتی نیز وجود ندارد. اما اگر تامین نیاز کشور از طریق واردات مد نظر باشد سالانه ۳۳ میلیارد دلار هزینه واردات خواهد بود راه حل سوم نیز پیگیری سیاست مدیریت تقاضا و مدیریت توسعه به طور همزمان است که برای تحقق آن اجماع مجلس و دولت برای مدیریت تقاضا لازم است که در شرایط فعلی چنین امری تحقق نیافته است.

هر چند بر اساس سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور

الف: ۹+۳ پالایشگاه

پالایشگاه‌ها از نظر اقتصادی صرفه ندارد اما دلیل ساختش در ایران با وجود در دست بودن گزینه‌های بهتر، چیزی جزء کاهش واردات و تامین نیازهای مصرفی نیست. «پالایشگاه‌ها جزو صنایعی هستند که سود خیلی بالایی ندارند، اما چون یک کار زیربنایی محسوب و باعث رونق صنایع پایین دستی می‌شوند، لازم است در کشور نفت خیزی مثل ایران بدون توجه به سود و ضرر و با در نظر گرفتن منابع جنبی این صنعت توسعه داده شود» این پاسخ نعمت‌زاده است به دلیل ساخت پالایشگاه.

مهمترین تلاش نعمت‌زاده در طول یک سال گذشته بر روی پالایشگاه‌ها متمرکز شده بود. مهم‌ترین سفرهای وی نیز بازدیدهای مکرر از پالایشگاه‌های کشور و پیگیری طرح‌های توسعه بود. قرار است ۹ پالایشگاه موجود توسعه و بهینه شوند و در کنار آن، ساخت ۳ پالایشگاه جدید نیز در دستور کار قرار گرفته است.

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران با داشتن ۹ پالایشگاه به ظرفیت عملی پالایشی ۱۶۲۷ هزار بشکه در روز بخش عمده نیاز کشور به فرآورده‌های نفتی را تامین کرده است. با توجه به برنامه‌های توسعه پیش‌بینی می‌شود ظرفیت پالایشی کشور در سال ۹۱ با ۵۷ درصد رشد ۹۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد و به ۲۵۵۷ هزار بشکه در روز برسد. جدول ۲ ظرفیت پالایشی کشور در سال ۸۵ به تفکیک پالایشگاه‌ها و روند آن تا سال ۱۳۹۱ نشان داده شده است.

حال آیا با چنین ساخت و توسعه‌ای نیازها تامین می‌گردد یا نه. پاسخش را زمان مشخص خواهد ساخت.

دلارهای نفتی را می‌سوزانیم

گاز هم داستانی دارد. «مصرف گاز در یک سال گذشته ۱۰۶ میلیارد مترمکعب بود که از این میزان ۵۲ میلیارد مترمکعب آن در بخش خانگی و تجاری و واحدهای صنعتی

کوچک، ۱۴ میلیارد و ۹۰۰ هزار مترمکعب مربوط به صنایع عمده و ۳۰ میلیون و ۵۰۰ هزار متر مکعب در بخش نیروگاهی مصرف شده است. این میزان مصرف به لحاظ ارزش برابری با فرآورده‌های نفتی با نرخ ۶۰ سنت، معادل ۶۳ میلیارد دلار برآورد می‌شود».

به عبارت دیگر کلی سرمایه‌گذاری و قرارداد خارجی امضاء کردیم تا ۶۳ میلیارد دلار را بسوزانیم. در حالی که پیشتر گفتم با تزریق گاز به مخازن نفتی هم می‌توانستیم تولید نفت را افزایش دهیم. هم گاز را ذخیره می‌کردیم تا درآینده با قیمت‌های بالاتر بفروشیم و هم مصرف داخلی را کنترل کنیم. نه آن اشتباه نفت را تکرار کنیم و مرتب بگوییم آن قدر گاز است که خیالتان راحت باشد.

واقعا باور جامعه این است که خیلی ثروتمندیم. در حالی که ارزش همه منابع کشور با نفت و گازش به نرخ روز که نسبتا قیمت بالایی است، به هشت هزار میلیارد دلار نمی‌رسد. که با سرشکن کردن آن به جمعیت ۸۲ میلیون نفری کشور، درآمد سرانه حتی کمتر از ۲۰۰۰ دلار می‌شود. این در حالی است که متوسط درآمد سرانه جهانی در سال گذشته ۶۵۰۰ دلار بوده است.

رانت ۱۵۰۰ میلیارد تومانی

مبارزه با رانت شعار شده است. دولت‌ها در اقتصادی که بیش از ۸۰ درصدش را در اختیار دارند کاری جز توزیع رانت انجام نمی‌دهند. و تفاوت دولت در این امر، شمولیت آن است. برخی رانت‌ها منافعی به اکثر افراد جامعه بر می‌گردد. و برخی دیگر به افراد خاص. از مهم‌ترین گلوگاه‌های رانت، مواد اولیه یارانه‌ای پتروشیمی است که مقدار ماده اولیه مورد نیاز تولیدکنندگان واقعی کشور حدود ۱/۵ میلیون تن است. این ماده اولیه به جای آن که به صورت واقعی در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرد، ۶۰ درصد ارزان‌تر از قیمت واقعی در اختیار ۸ هزار دارنده پروانه بهره‌برداری توزیع می‌گردد و این به مفهوم آن است که به تولید کننده واقعی حدود یک هفتم ماده اولیه مورد نیازش اختصاص می‌یابد و بقیه بین سوءاستفاده‌کنندگان توزیع می‌شود.

یکسان بودن نرخ محصولات پتروشیمی مهم‌ترین چالش شرکت پتروشیمی است. نعمت زاده تلاش بسیار کرد تا محصولات پتروشیمی از سید حمایتی خارج شود که نشد. ابراهیمی اصل تلاش‌های خود که با جوسازی‌ها او را تغییر دادند. حال آیا نجات باز ریسک خواهد کرد. چنین قیمت‌گذاری نه تنها تولیدکننده را متضرر ساخته است و رانت را باعث شده بلکه منابع مالی دولت را نیز محدود کرده است. این منابع مالی می‌تواند در جهت توسعه نفت بکار رود.

در همه جای دنیا قیمت محصولات پتروشیمی روزی یک بار تعیین می‌شود این در حالی است که قیمت این

در صورت تداوم مصرف فعلی در افق ۱۴۰۰ چیزی حدود ۳۰۰ میلیون لیتر برای تامین مصرف داخلی کشور مورد نیاز است. اگر قرار باشد با ساخت پالایشگاه معما حل شود با توجه به این که هر پالایشگاه ۲۰۰ هزار بشکه‌ای با بهترین تکنولوژی ۳۰ درصد یعنی ۶۰ هزار بشکه بنزین تولید خواهد کرد که معادل ۱۰ میلیون لیتر است. پس باید ۲۶ پالایشگاه ۲۰۰ هزار بشکه‌ای ساخته شود. ساخت یک چنین پالایشگاهی نیز ۲/۵ میلیارد دلار سرمایه و ۴ الی ۵ سال زمان نیاز دارد. یعنی در مجموع $۲۶ \times ۲/۵ = ۶۵$ میلیارد دلار.

رشد مصرف بنزین باید از ۱۰ به ۴/۵ درصد کاهش یابد اما اراده و اقدامی در این خصوص مشاهده نمی‌شود هنوز معلوم نیست چه کسی در زمینه مدیریت مصرف پاسخگوست. طرح‌های سهمیه‌بندی و کارت هوشمند نیز هنوز به مرحله عمل نرسیده است.

این که در شرایط فعلی مهندس محمد رضا نعمت‌زاده چه راهی را در پیش می‌گیرد با توجه به شخصی پرگماتیستش تا حدی مشخص است. او حرکتش را همچون گذشته شروع کرده است و شخصا پرچم مدیریت توسعه در پالایشگاه‌ها را به دست گرفته است و تعیین تصمیم در خصوص قیمت و روند مصرف و مسائل سیاسی و در یک کلمه مدیریت تقاضا را بر عهده سیاستمداران و تصمیمات آن‌ها وا گذاشته است.

تامین نیازهای مصرفی همه فکر مدیران کشور را به خود مشغول کرده، در کنار آن همه منابع مالی که باید بر

محصولات از ۶ سال پیش تاکنون در ایران تغییر نکرده است.

محصولات پتروشیمی از لحاظ توزیع و نظام قیمت‌گذاری به سه نوع کودهای شیمیایی، گاز مایع، پلمیرها و مواد شیمیایی تقسیم می‌شوند که به جزء در مورد کود شیمیایی هیچگونه اعتبار و بودجه و پرداختی را بابت یارانه به مصرف‌کننده یا تولیدکننده پرداخت نمی‌شود. بلکه مشکل در تفاوت قیمت واقعی محصولات با قیمت فروش آنها است. تفاوت اختلاف درآمد فروش داخلی محصولات پتروشیمی با قیمت جهانی آن به مرز ۱۴۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

۳۴۵ میلیارد دلار نیاز سرمایه‌گذاری

قیمت‌گذاری و سیاست‌گذاری‌های نامناسب صنعت نفت، گاز و پتروشیمی کشور را با به مرز بن‌بست رسانده است. بگونه‌ای که این صنعت قادر نیست نیازهای مالی توسعه‌ای خود را تامین کند. و حالا مدام سمینار، همایش و کنفرانس برگزار می‌شود با عنوان «تامین منابع مالی بخش انرژی»

زیرساختی».

علی‌کاردر، در همایش تامین منابع مالی پروژه‌های نفتی نیاز مالی صنعت نفت را ۳۴۵ میلیارد دلار اعلام کرد که از این میزان ۱۸۰ میلیارد دلار به نفت، ۱۰۰ میلیارد دلار به بخش گاز، ۱۵ میلیارد دلار به بخش پالایش و پخش و ۵۰ میلیارد دلار به بخش پتروشیمی اختصاص دارد. از این میزان ۱۰۰ میلیارد دلار از محل صادرات نفت خام و ۸۰ میلیارد دلار از محل صادرات میعانات گازی تامین مالی خواهد شد.

وی سرمایه‌گذاری در بخش پایین‌دستی نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش و پخش را نیز ۱۶۵ نیز میلیارد دلار ذکر کرد. رییس اصل ۴۴ قانون اساسی شرکت ملی نفت ایران گفت: در ۱۰ سال گذشته در مجموع ۸۸/۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف صنعت نفت انجام شده است.

نفت، اسیر دام خود

تامین پروژه‌های نفت و گاز یکی از مسائل اساسی کشور شده است. و در این راستا مرتباً همایش‌ها و سمینارهایی با عنوان تامین مالی پروژه‌ها برگزار می‌گردد. نفت که ۸۰ درصد درآمد کشور را تامین می‌کند الان در تامین نیازهای سرمایه‌گذاری خود معطل مانده است سرمایه‌گذاران خارجی نیز با وجود محدودیت‌های اعمال شده انگیزه حضور جدی را ندارند. گزارش‌ها نیز از کندی

عملیات پروژه‌های نفتی حکایت دارد بگونه‌ای که ایران نتوانسته در طول دو سال گذشته قرارداد بزرگی در بخش نفت و گاز امضا کند.

نداشتن استراتژی مشخص در صنعت نفت نیز مورد انتقاد واقع شده است. «تا زمانی که استراتژی‌ها مشخص نشود، در طی کردن مسیر دچار تردید و تغییر می‌شویم و هیچ چیز در پروژه‌های بزرگ ملی بدتر از تردید و تغییر نیست».

مشکلات داخلی، عدم ثبات قوانین و مقررات و تغییر مداوم آنها به خصوص با تغییر دولت‌ها از مشکلاتی است که به نظر آقای روحانی امنیت سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد، زیرا به گفته وی برنامه‌های مدام در حال تغییر، باعث دلهره مردم می‌شود و سرمایه‌گذاران و پیمانکار بزرگ که پروژه‌ای در دست دارد همیشه باید مراقب باشد و به سخنان مقامات دولتی گوش بدهد که آیا مقررات کشورش همان است که دیروز بوده یا سیاست جدیدی مطرح شده است

به گفته آقای روحانی، دستیابی به توسعه اقتصادی، بدون ثبات

سیاسی و اقتصادی امکان‌پذیر نیست و اگر بخواهیم هر هشت سال



جدول ۱: پیش‌بینی روند مصرف فرآورده‌های نفتی کشور (میلیون لیتر در روز)

سال	کمزنج	موتور	فصلت صنایع	فصلت کفر	فصلت ترابری
۱۳۸۵	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۸۶	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۸۷	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۸۸	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۸۹	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۹۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۹۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۹۲	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۹۳	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۹۴	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۹۵	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۹۶	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۹۷	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۹۸	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۳۹۹	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۰۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۰۲	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۰۳	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۰۴	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۰۵	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۰۶	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۰۷	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۰۸	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۰۹	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۱۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۱۱	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۱۲	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۱۳	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۱۴	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۱۵	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۱۶	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۱۷	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۱۸	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۱۹	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۴۲۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰

منبع: برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، خرداد ۱۳۸۵

جدول ۲: ظرفیت پالایشی کشور در سال ۸۵ و روند آن تا سال ۱۳۹۱ (هزار بشکه)

ردیف	پالایشگاه	ظرفیت اسمی	ظرفیت موجود	ظرفیت در سال ۱۳۹۱
۱	مان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲	تندیس	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
۳	بان	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰
۴	تهران	۲۳۵	۲۳۵	۲۳۵
۵	پارس	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳
۶	تبریز	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۷	کربلا	۱۵	۱۵	۱۵
۸	ساز	۵۰	۵۰	۵۰
۹	لاوان	۲	۲	۲
۱۰	پالایشگاه های کوچک و متوسط	-	-	-
۱۱	کل ظرفیت پالایشگاه های کشور	-	-	-
۱۲	ظرفیت پالایشگاه های کوچک و متوسط	-	-	-
۱۳	ظرفیت پالایشگاه های بزرگ	-	-	-
۱۴	ظرفیت پالایشگاه های کوچک و متوسط	-	-	-
۱۵	ظرفیت پالایشگاه های بزرگ	-	-	-
۱۶	ظرفیت پالایشگاه های کوچک و متوسط	-	-	-
۱۷	ظرفیت پالایشگاه های بزرگ	-	-	-
۱۸	ظرفیت پالایشگاه های کوچک و متوسط	-	-	-
۱۹	ظرفیت پالایشگاه های بزرگ	-	-	-
۲۰	ظرفیت پالایشگاه های کوچک و متوسط	-	-	-
۲۱	ظرفیت پالایشگاه های بزرگ	-	-	-
۲۲	ظرفیت پالایشگاه های کوچک و متوسط	-	-	-
۲۳	ظرفیت پالایشگاه های بزرگ	-	-	-
۲۴	ظرفیت پالایشگاه های کوچک و متوسط	-	-	-
۲۵	ظرفیت پالایشگاه های بزرگ	-	-	-
۲۶	ظرفیت پالایشگاه های کوچک و متوسط	-	-	-
۲۷	ظرفیت پالایشگاه های بزرگ	-	-	-
۲۸	ظرفیت پالایشگاه های کوچک و متوسط	-	-	-
۲۹	ظرفیت پالایشگاه های بزرگ	-	-	-
۳۰	ظرفیت پالایشگاه های کوچک و متوسط	-	-	-

منبع: برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، خرداد ۱۳۸۵

یکبار با تغییر دولت‌ها بار دیگر انقلاب کنیم و همه چیز را از نو تشکیل بدهیم، به هیچ جا نخواهیم رسید
 مهدی حسینی، معاون سابق شرکت ملی نفت نیز از این که در دوسال گذشته وزارت نفت نتوانسته قرارداد جدیدی منعقد کند ابراز نگرانی کرده است.
 طبق برنامه ایران باید تولید نفت خود از ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه فعلی به ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه و ظرفیت پالایش نفت را از یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه به ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز برساند ولی رسیدن به این هدف، بدون همکاری و مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی امکان‌پذیر نیست.
 به گفته برخی کارشناسان اگر ایران نتواند ظرفیت تولید نفت خود را افزایش دهد، جایگاه خود را به عنوان دومین تولید کننده بزرگ در اوپک از دست خواهد داد و برای همین ایران نمی‌تواند نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی بی‌اعتنا باشد.

هم اکنون بزرگترین پروژه صنعت نفت ایران در میدان گازی پارس جنوبی نیز به کندی پیش می‌رود.
 «اکبر ترکان، مدیر عامل شرکت نفت و گاز پارس نیز در این کنفرانس با تاکید بر این که در تامین مالی طرح‌ها مشکل وجود دارد گفته است که با تحولات سیاسی، گروه خطر پذیری و نرخ بیمه ایران تغییر می‌کند».
 عمده پروژه‌های نفتی ایران به صورت فاینانس انجام می‌شود اما به گفته آقای ترکان در حال حاضر فاینانس متوقف شده که علت آن عوامل سیاسی است.
 بروز تردید و دودلی در سرمایه‌گذاران خارجی مشهود است و این نکته‌ای است که کاظم پور اردبیلی، نماینده ایران در اوپک، بدان اشاره می‌کند.
 به گفته آقای کاظم پور اردبیلی، ریسک‌های فنی و ریسک‌های سیاسی که تا حدودی تابع جوسازی‌ها است، نظام سرمایه‌گذاری را با مشکلاتی مواجه کرده است.
 علاوه بر این، تغییر دائمی قوانین و مقررات یکی از مهمترین ریسک‌ها برای سرمایه‌گذاری است که باعث شده سازمان‌های بیمه‌گر در جهان در مواجهه با ایران، آن را در محاسبات خود در نظر بگیرند که گاهی هم به انصراف از همکاری با ایران منجر شده است.
 به گفته آقای کاظم پور اردبیلی، افت میزان تولید و سن بالای میدان‌های نفتی در ایران و همچنین عدم سرمایه‌گذاری کافی، ایران را در موقعیت پیچیده‌تری قرار داده است.

میدان‌های نفتی ایران به نیمه عمر خود رسیده‌اند و سالانه ۲۰۰ هزار بشکه از تولید خود را از دست می‌دهند. به گفته کارشناسان اگر موانع سرمایه‌گذاری خارجی ادامه یابد، ایران مشکل بتواند سقف تولید خود را حفظ کند، چه برسد به آن که بخواهد ظرفیت تولید خود را افزایش دهد. □